

مطالعه رابطه عوامل فرهنگی اجتماعی با نزاعهای دسته جمعی، قومی و قبیله ای در شهرستان لردگان

نورالله رضائی کلواری^۱
مجید بحرینی^۲

۸۸/۱۱/۱۵
۸۹/۹/۲۲

تاریخ دریافت:
تاریخ پذیرش:

چکیده

هدف از این پژوهش «مطالعه رابطه عوامل فرهنگی اجتماعی با نزاعهای دسته جمعی، قومی و قبیله ای در شهرستان لردگان» بوده است. عوامل فرهنگی اجتماعی شامل: عوامل جمعیت شناختی، میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی، محرومیت نسبی، بی هنجاری (آنومی)، قوم گرایی، قومیت ها، پرخاشگری، انسجام اجتماعی، کنترل اجتماعی و پایگاه اجتماعی اقتصادی با نزاعهای جمعی، قومی و قبیله ای در قالب ۱۰ فرضیه بررسی شد. روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی و جامعه آماری کلیه مردان و زنان بالای ۱۵ سال شهرستان لردگان ۱۱۶۴۳۶ نفر را تشکیل داد. نمونه مورد مطالعه با روش نمونه گیری تصادفی سهمیه ای از میان جامعه آماری به تعداد ۴۱۴ نفر انتخاب شد. برای جمع آوری داده های پژوهش از پرسشنامه محقق ساخته با پایایی ۹۶٪ براساس ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. در تحلیل آماری پژوهش از شیوه آمار توصیفی (میانگین، فراوانی، درصد و نمودار) و آمار استنباطی (t تک متغیره، تحلیل واریانس، ضریب همبستگی پیرسون، اسپیرمن، دورشته ای، رگرسیون چندگانه و آزمون شفه) استفاده شد. نتایج بدست آمده نشان داد که: متغیرهای «پر خاشگری»، «قوم گرایی»، «بی هنجاری» و «محرومیت نسبی» دارای رابطه معناداری مثبت و متغیرهای «کنترل اجتماعی»، «انسجام اجتماعی»، «پایگاه اجتماعی اقتصادی»، «سن»، «جنسیت» «تحصیلات» دارای رابطه معنادار معکوس و متغیرهای «تاهل» و «میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی» فاقد رابطه معنادار با گرایش به نزاعهای جمعی، قومی و قبیله ای بوده اند و گرایش به نزاع در بین مردان و زنان متفاوت و مردان گرایش بیشتری به نزاع جمعی داشته و همچنین میزان گرایش به نزاعهای جمعی، قومی و قبیله ای در بین اقوام مختلف جامعه آماری متفاوت بوده است.

کلید واژه ها: نزاع جمعی، پر خاشگری، قوم گرایی، بی هنجاری (آنومی)، کنترل اجتماعی، محرومیت نسبی،

شهرستان لردگان.

بیان مسئله

ایران کشوری چند قومی است و تاریخ سیاسی آن درمقاطع مختلف با نقش فعال قبایل و طوایف گره خورده است. در واقع تحلیل تاریخ کشورمان بدون تحلیل حضور آنها در جنگها و سایر رویدادهای مملکتی مقدور نیست. نقش آنها گاهی مثبت و گاهی منفی است. صرف نظر از این نقشها، گاهی درون این گروهها و همچنین در بعضی از روستاها و شهرها بر خوردهایی شکل می گیرد که آثار تخریبی آن، امنیت و آسایش مردم را بخاطر قتلها و کشتارهای بی امان، سلب می نماید و این یکی از مشکلات ماست.

هنوز در گوشه و کنار کشورمان بعد از گذشت این همه دگرگونی های اجتماعی و تغییرات فرهنگی، آثار ناگوار پدیده ای به نام نزاعهای جمعی و درگیریهای قومی و قبیله ای مشاهده می شود، هنوز خشونت و نزاع از جمله موضوعاتی است که در فرهنگ بعضی از هموطنان، شاخص قدرت و یا دفاع از منزلت اجتماعی و فرهنگی و حیثیت خانوادگی محسوب می شود (پورافکاری، ۱۳۸۳: ۳).

خشونت و نزاع از جمله موضوعاتی است که بعنوان یکی از مسائل و آسیب های اجتماعی توجه اندیشمندان و جامعه شناسان را به خود جلب نموده است و تاکنون دیدگاههای متفاوتی را در این باره مطرح نموده اند که اغلب آنها این موضوع را در قالب جنگ مورد بررسی قرار داده اند، در این زمینه منابع بسیار وجود دارد که بیشتر جنبه های فردی این پدیده را مورد بررسی قرار داده و کمتر به حالت های گروهی و جمعی این موضوع پرداخته شده است.

نزاع جمعی یک نوع رفتار جمعی است که از جمله آسیب ها و مسائل اجتماعی بشمار می رود و «رفتار جمعی به رفتاری گفته می شود که بر اثر وضعیت یا حادثه ای از شخص یا اشخاص سر می زند و در اثر درگیری اجتماعی به دیگران منتقل و در نتیجه گروه کما بیش نامتجانسی را بوجود می آورد» (اگبرن و نیمکف، ۱۳۵۶: ۱۷۳)

در تاریخ ایران همانند بسیاری از جوامع دیگر تنوع معیشتی، فرهنگی، شدت ارتباطات درون گروهی، قلت ارتباطات برون گروهی، محرومیت ها، نابرابریها، تعصبات قومی و قبیله ای و غیره زمینه ساز بروز نزاعهای جمعی و درگیریهای قومی و قبیله ای بوده اند، بنابراین نزاع جمعی در هر جامعه همیشه بعنوان یکی از مسائل اجتماعی مطرح بوده است و این مسئله در گذشته و امروز منشاء خسارات مالی و جانی فراوان و مانع توسعه اجتماعی و اقتصادی در سطح شهرستان شده است، بطوریکه اکثر محققان یکی از دلایل عدم توسعه استان و

شهرستان را نزاعهای جمعی و درگیریهایی می‌دانند که ناشی از علل مختلف می‌باشند. بنابراین توصیف و تبیین علل و عوامل موثر بر نزاعها و درگیریهای قومی از لحاظ فرهنگی و اجتماعی پراهمیت است و از لحاظ علمی نیز قابل شناخت و قانونمند محسوب می‌شود. از عواملی که زمینه ساز این گونه درگیریها و نزاعهای اجتماعی می‌باشد می‌توان به وضعیتهایی همچون فقر، بیکاری، مواد ناکافی و ... اشاره کرد که باعث رنجش فیزیکی و روانی بخشهایی از جامعه شده و باعث می‌شود کیفیت زندگی افراد این جوامع کاهش یابد. (ایتزن، ۱۹۹۲: ۳)

از علل و عوامل دیگری که می‌تواند زمینه ساز این گونه درگیریها در جوامع باشد می‌توان به بی‌سازمانی اجتماعی اشاره کرد که منجر به شکست یا نارسایی در یک نظام اجتماعی با پایگاهها و نقشهای مرتبط به هم می‌شود که اهداف جمعی و فردی اعضایش کمتر تحقق می‌یابد تا آنجایی که در یک نظام کارآمد دیگر برآورده می‌شوند. (مرتین، ۲، ۱۹۹۶: ۱۹ و ۲۰)

این نزاعها در شهرستان لردگان در طول سال اتفاق می‌افتد. به طوری که ۳۶/۵ درصد از نزاعها در فصل تابستان و ۳۶٪ در بهار و بقیه در سایر فصول به وقوع پیوسته است. از آمارهای موجود برمی‌آید که ۷۶ درصد از نزاعها با سلاح سرد و ۲۴ درصد با سلاح گرم صورت گرفته که حدود ۲۰ درصد از این درگیری‌ها منجر به قتل می‌شود. طرفین نزاع معمولاً پس از زد و خورد به کوهستان‌ها، روستاهای اطراف و شهرهای دیگر پناه می‌برند و در گذشته معمولاً با نیروهای انتظامی و امنیتی نیز درگیر می‌شدند و سرانجام با وساطت ریش سفیدان و بزرگان و مسئولین شهرستان مسئله فیصله پیدا می‌کند و گاهی این نزاعها بسیار پراهمیت می‌شود و به تعیین خون بها می‌انجامد که اکثراً با کمک طایفه جمع‌آوری و پرداخته می‌شود و در مواردی این نزاعها طولانی و کشنده می‌شود. زیرا قتل‌ها در این مناطق فردی نیست بلکه بصورت جمعی صورت می‌گیرد و به جای شخص، طایفه عنوان می‌گردد و بدان جهت که صدور حکم قضایی به طول می‌انجامد، خود سبب جدالهای دیگر می‌شود (پورافکاری، ۱۳۸۳: ۵).

در طی سال ۱۳۸۴ تعداد ۹۹۱ مورد پرونده در رابطه با نزاع و درگیری در شهرستان لردگان به ثبت رسیده که نسبت به کل استان با توجه به جمعیت شهرستان در رتبه اول استان قرار دارد (صادقی، ۱۳۸۵: ۱۱۵).

بنابراین نزاع جمعی بعنوان یکی از اصلی‌ترین معضلات اجتماعی است که علاوه بر ایجاد فضایی آکنده از خشم و نفرت، امنیت انسان را از جنبه‌های مختلف تهدید می‌کند و اهمیت موضوع در این است که «براساس تحقیقات انجام شده حدود نیمی از منازعات بوجود آمده

در سطح استان چهارمحال و بختیاری مربوط به شهرستان لردگان می باشد و این موضوع یکی از مهمترین معضلات اجتماعی استان و شهرستان محسوب می شود» (صالحی، ۱۳۷۱: ۱۲).
به هر حال نزاع جمعی به هر علت و انگیزه ای صورت پذیرد و در صورتیکه منجر به قتل شود شرایط و اوضاع منطقه را دگرگون می سازد. بطوریکه ممکن است گاهی این نزاعها اوضاع چندین روستا یا طوایف را در شهرستان با مشکلات و معضلات اساسی روبرو سازد. این پژوهش بر آن است تا بدین سوال پاسخ دهد که چرا در شهرستان لردگان تعداد پرونده های مربوط به نزاع دسته جمعی بسیار زیاد است؟ آیا متغیرهای جمعیت شناختی، فرهنگی و اجتماعی در این شهرستان می توانند در بروز چنین مسئله ی مهمی دخیل باشند؟

چارچوب نظری پژوهش

تبیین های جامعه شناختی و نظریه فشارهای ساختاری

دیدگاههای جامعه شناسی شیوه نگرش محققان را به مسائل اجتماعی تعیین و روشها یا راههای شناخت آنها را مشخص می سازد. به تعبیر دورکیم (جامعه شناس فرانسوی) مسائل اجتماعی، ریشه اجتماعی دارند، از این رو علم مربوط به آن بایستی آن را تفسیر و تبیین نمایند. این بدان معنا نیست که تبیین های دیگر ارزش علمی ندارند بلکه بایستی گفت جامعه شناسی بهتر می تواند آنها را تبیین کند، چون اسباب و لوازم شناخت هر چه بهتر در این علم شکل گرفته است (صادقی، ۱۳۸۵: ۳۸).

«کیفیت جامعه به کجرویها شکل می دهد ... یعنی بدلیل قوانین و کارکردهای نظامهای اجتماعی، رفتارهایی در مردم بوجود می آید که بعضی از آنها صحیح و پاره ای غلط بوده و جنبه کجروی بخود می گیرند» (فرجاد، ۱۳۶۹: ۲۲).

از مهمترین تبیینهای جامعه شناختی درباره کجرویها، تأکید بر تعامل میان همنوایی و کجروی در زمینه های مختلف اجتماعی است. جوامع امروزی دارای خرده فرهنگهای متفاوت هستند و هر کدام هنجارهای خاص خود را مراعات می کنند. در این بحث به چند نظریه مهم و برجسته اشاره می کنیم.

در نظریه فشارهای ساختاری رفتارهای انحرافی را نتیجه فشارهای اجتماع می داند که بعضی مردم را وادار به کجروی می کند تعبیر ساده این نظریه ضرب المثل (فقر باعث جرم می شود) به موجب این ضرب المثل وجود فراوان فقر در یک ساختار اجتماعی فشارهایی را

برای انواع خاص کجروی از جمله نزاع و ستیزه جویی فراهم می کنند (ستوده، ۱۳۸۲: ۱۲۷). نظریه نوین فشارهای ساختاری مفهوم بی هنجاری را بوسیله دورکیم وارد جامعه شناسی کرد دورکیم مفهوم بی هنجاری را جهت روحیه مردم جامعه شهری ابداع کرد. بطور کلی، بی هنجاری به وضعیت آشفته ای در جامعه گفته می شود که هنجارها از بین رفته یا در تضاد قرار گرفته باشند، جامعه ای که در آن بطور گسترده هنجاری وجود داشته باشد، در خطر متلاشی شدن قرار می گیرد، زیرا اعضای آن جامعه برای نیل به مقاصد مشترک خطوط راهنمایی را در اختیار ندارند و اغلب اوقات احساس نگرانی و بی جهتی می کنند (دوب، ۱۹۸۸: ۱۷۲).

جدول شماره (۱) تنوری فشار ساختاری مرتن

وسایل و اهداف	پذیرش اهداف فرهنگی	رد اهداف فرهنگی
پذیرش وسایل نهادی شده	سازگار	سنت گرا
وسایل نهادی شده	نوآور	انزوا طلب

جدول شماره ۲: گونه شناسی مرتن در مورد واکنشهای مردم در برابر فشار ساختاری (مرتن، ۱۹۷۵: ۱۴۰)

مصادیق	اهداف	وسایل و ابزار نهادی شده	شیوه های همسازی
موافقین وضع موجود	+	+	همنوایی
قشرهای پائین اجتماع	+	-	بدعت و نوآوری
افرادی که کورکورانه اطاعت می کنند.	-	+	مراسم گرایی
افراد نفوذی	-	-	انزوا طلبی (انصراف)
افراد انقلابی	±	±	شورش و طغیان

علامت + به معنای پذیرش، علامت - به معنای عدم پذیرش و علامت ± به معنای نفی ارزشهای حاکم و جانشینی ارزشهای نوبجای آنهاست.

مدل پژوهش

پدیده نزعهای جمعی در تاریخ حیات بشری، قدمتی دیرینه دارد و در بسیاری از جوامع روستایی، عشایری و شهری با توجه به ارزشها و مدل‌های خاص فرهنگی حاکم بر آنها با انگیزه ها و فرمهای مختلف وجود داشته است و هم اکنون نیز در بین جمعیتهایی که به لحاظ

قومی و فرهنگی دارای ویژگیهای منحصر به فرد می باشند، به نوعی به چشم می خورند. نزاع های جمعی و درگیریهای قومی و قبیله ای مانند سایر مسائل اجتماعی معلول علت واحدی نیست. بنابراین برای تبیین موضوع از نظریات مختلف اندیشمندان حوزه های جامعه شناسی و فشارهای ساختاری استفاده شده است که به تبیین مسائل و آسیب های اجتماعی پرداخته اند. نزاع نیز مانند صور دیگر مسائل اجتماعی در این دیدگاهها مورد تبیین قرار گرفت. با توجه به تحقیقات داخلی و خارجی که در زمینه مسائل اجتماعی صورت گرفته است و بررسی اجمالی این پژوهشها و توجه به یافته های آنها نشان داده شده است. پژوهشی که بطور مفصل در رابطه با علل فرهنگی اجتماعی نزاع های جمعی باشد، صورت نگرفته است و اکثر این صاحب نظران مساله اجتماعی را با عنوان نزاع جمعی مورد بررسی قرار نداده اند بلکه موضوعاتی تحت عنوان خشونت، بزهکاری، تضاد، پرخاشگری، جنایت و ... را بررسی کرده اند. اما هدف ما در این پژوهش بررسی و مطالعه علل فرهنگی و اجتماعی موثر بر نزاعهای جمعی و درگیریهای قومی و قبیله ای می باشد که براساس دیدگاههای ارائه شده در این زمینه، هریک از متفکران و نظریه پردازان به جنبه هایی از این موضوع پرداخته اند. لذا برای مدلی جامع تر سعی شده است از نظریات اجتماعی اندیشمندان استفاده گردد و مدلی نظری برای بررسی دقیق تر موضوع و لحاظ کردن ابعاد مختلف آن به عنوان چهارچوب نظری ارائه شود.

جدول شماره ۳: چارچوب نظری پژوهش (مدل تلفیقی پژوهش)

متغیرها	نظریات پژوهش
عوامل جمعیت شناختی	محققان تبیین زیست شناختی انحرافات، لمبروزو، آپرنک، تراسلرو پژوهشگر
بی هنجاری (آنومی)	دورکیم، رابنسون و مرتن
پرخاشگری	دولارد، کلیک، روبرس و شریف، برکوویتز و محسنی تبریزی
محرومیت نسبی	گودرزی، بیات، مقصودی و ...
وسایل ارتباطی جمعی	آلن بیرو، ساروخانی، باندورا
پایگاه اقتصادی و اجتماعی	محسنی، کوئنن، لاک وود، رفیع پور، ذاکری نصرآبادی
انسجام اجتماعی	دورکیم، گیدنز، چلبی، افروغ، ساروخانی
کنترل اجتماعی	بادون و بریکاد، داوری و سلیمی، هلاکوبی، گسن، پارسونز، جانسون، دورکیم، گیدنز، چلبی، افروغ، ساروخانی
قوم گرایی	گودرزی، مقصودی، آبراکرامی، ابن خلدون
نزاع جمعی و درگیری قومی	هومنز، کلارک، کلاین برگ، فرانسیس کاتسلو، پورافکاری، صالحی، نظری، و محققان دیگر

فرضیه های پژوهش

۱. بین عوامل جمعیت شناختی (سن، جنس، تاهل و تحصیلات) و گرایش به نزاع جمعی و درگیریهای قومی و قبیله ای رابطه وجود دارد.
۲. بین استفاده از وسایل ارتباط جمعی و میزان گرایش به نزاع جمعی و درگیری های قومی و قبیله ای رابطه وجود دارد.
۳. بین محرومیت نسبی و گرایش به نزاع جمعی و درگیری های قومی و قبیله ای رابطه وجود دارد.
۴. بین بی هنجاری و گرایش به نزاع جمعی و درگیری های قومی و قبیله ای رابطه وجود دارد.
۵. بین گرایش به نزاع جمعی و درگیری های قومی و قبیله ای براساس قومیت های مختلف تفاوت وجود دارد.
۶. بین گرایش به پرخاشگری و گرایش به نزاع جمعی و درگیری های قومی و قبیله ای رابطه وجود دارد.
۷. بین قوم گرایی و گرایش به نزاع جمعی و درگیری های قومی و قبیله ای رابطه وجود دارد.
۸. بین انسجام اجتماعی و گرایش به نزاع جمعی و درگیری های قومی و قبیله ای رابطه وجود دارد.
۹. بین کنترل اجتماعی و گرایش به نزاع جمعی، درگیریهای قومی و قبیله ای رابطه وجود دارد.
۱۰. بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی و گرایش به نزاع جمعی، درگیریهای قومی و قبیله ای رابطه وجود دارد.

پیشینه پژوهشهای انجام شده در رابطه با موضوع پژوهش

رامون اسپیج (۲۰۰۶) از دانشگاه آمستردام هلند با استفاده از تحقیقات بومی و منطقه ای در کنار استفاده از نظریات عام و جهانشمول در تبیین پدیده خشونت و ستیزه جویی به بررسی این معضل اجتماعی پرداخته است. وی در یکی از مهمترین تحقیقات خود با عنوان جنبه هایی از خشونت اوباشگری و رفتارهای خشن تحت تاثیر ۶ عامل اصلی که در بوجود

آمدن آن نقش دارند، بوجود می آید:

۱. هیجان زدگی ۲. ایجاد هویت مردانه خشن ۳. هویت یابی منطقه ای و محلی ۴. مدیریت فردی و کسب شهرت ۵. احساس همبستگی و تعلق ۶. قدرت و خود مختاری.

پژوهشهای انجام شده در ایران

پژوهشی تحت عنوان «توصیف و تبیین جامعه شناسی جمعی در استان لرستان» توسط عبدالهی و چلبی به درخواست استانداری استان لرستان در سال ۱۳۷۲ انجام گرفت که یافته های این پژوهش نشان می دهد که بطور کلی میزان انسجام عام که از ویژگیهای مهم اجتماع عام است در سطح استان نسبتاً ضعیف است و تحلیلها نشان می دهد که یکی از عوامل مهم نزاعهای جمعی در استان لرستان همین ضعف انسجام عام است، جایی که انسجام وجود داشته باشد در واقع مشارکت اجتماعی بیشتر و فراگیرتر است و میزان انسجام عام در مناطق شهری بیش از روستا و در مناطق روستایی بیشتر از مناطق عشایری می باشد.

خراطها و جاوید، پژوهشی با عنوان «بررسی علل و عوامل جامعه شناختی بروز نزاع و درگیری و پیامدهای آن در شهر تهران» در سال ۱۳۸۴ انجام دادند که نتایج این تحقیق نشان می دهد که عواملی نظیر وجود آسیب ها و مسایل اجتماعی، ضعف در کنترل و نظارت اجتماعی، کژکارکردی برخی نهادها و سازمانها، عدم حاکمیت قانون، پراکندگی و فراوانی کانونهای نزاع و درگیری از عوامل مهم بروز نزاع و درگیری در شهر تهران هستند (معاونت اجتماعی ناجا، ۱۳۸۵: ۳۷).

پژوهشی با عنوان «تحلیلی بر تنشهای قومی در ایران» در سال ۱۳۸۳ توسط پورافکاری انجام گرفته، یافته های پژوهش نشان می دهد که علل این تنشها را می توان ابعاد فرهنگی، محیط طبیعی، عوامل اجتماعی، قوم گرایی، عدم آشنایی مردم این مناطق با قوانین اسلامی، ضعف مالی و تعصبات شدید قومی و ... دانست.

پژوهشی توسط نظری (۱۳۸۶) انجام گرفت، نتایج این پژوهش نشان می دهد که متغیرهای پرخاشگری، قوم گرایی، تأثیر معنادار مثبت و میزان کنترل اجتماعی و تحصیلات تأثیر معنادار منفی بر گرایش به نزاع داشته اند.

روش تحقیق، جامعه آماری، نمونه گیری و ابزار اندازه گیری

این پژوهش، توصیفی از نوع همبستگی و از روش پیمایشی می باشد. جامعه آماری کلیه جمعیت بالای ۱۵ سال شهرستان لردگان که ۱۱۶۴۳۶ نفر می باشد و روش نمونه گیری آن نمونه گیری سهمیه ای تصادفی می باشد. ابزار اندازه گیری داده ها پرسشنامه می باشد.

پایایی پرسشنامه

برای اینکه بدانیم آیا ابزار سنجش در اندازه گیری مکرر نتایج یکسانی دربر خواهد داشت، برای سنجش متغیرهایی که به شیوه مقیاس بندی مورد سنجش قرار گرفته اند، از آلفای کرونباخ استفاده شده است. آلفای کرونباخ برای مجموع گویه ها ۰/۹۶ برآورد شده است.

روش و ابزار تجزیه و تحلیل اطلاعات

برای تجزیه و تحلیل داده ها از نرم افزار «بسته آماری برای علوم اجتماعی» استفاده شده است، پس از جمع آوری اطلاعات، تجزیه و تحلیل اطلاعات در دو سطح توصیفی و استنباطی صورت گرفت، در سطح توصیفی با استفاده از شاخصهای آماری نظیر (فراوانی، میانگین، درصد، انحراف معیار) و در سطح استنباطی متناسب با سطح سنجش داده ها و مفروضه های اساسی از آزمونهای ضریب همبستگی پیرسون، اسپیرمن، دو رشته ای، تک متغیره، آزمون تحلیل واریانس، آزمون شفه، رگرسیون چندگانه و تحلیل مسیر استفاده شده است.

تجزیه و تحلیل یافته ها

فرضیه اول: بین عوامل جمعیت شناختی (جنس، سن، تحصیلات و تاهل) و میزان گرایش به نزاع جمعی و درگیریهای قومی و قبیله ای رابطه وجود دارد.

جدول (۱): ضریب همبستگی دو رشته ای بین گرایش به نزاعهای جمعی، قومی و قبیله ای و جنسیت

جنسیت			ضریب همبستگی
N	p	rb	
۴۱۴	۰/۰۰۱	-۰/۱۸۱	گرایش به نزاع جمعی، قومی و قبیله ای

جدول فوق نشان می دهد که ضریب همبستگی بین گرایش به نزاعهای جمعی، قومی و قبیله ای با جنسیت در سطح $P < 0/05$ معنادار بوده، بنابراین بین میزان گرایش به نزاع جمعی و درگیریهای قومی و قبیله ای با جنسیت رابطه معنادار معکوس وجود دارد.

جدول (۲): ضریب همبستگی بین گرایش به نزاع جمعی و درگیری و سن

سن			ضریب همبستگی
N	p	r	
۴۱۴	۰/۰۱۳	-۰/۱۲۲	گرایش به نزاع جمعی و درگیری

جدول فوق نشان می دهد که ضریب همبستگی بین گرایش به نزاعهای جمعی، قومی و قبیله ای با سن در سطح $P < 0/05$ معنادار بوده، بنابراین میزان گرایش به نزاع جمعی و ویژگی های قومی و قبیله ای و سن افراد رابطه معکوس وجود دارد، بعبارت دیگر می توان گفت که با افزایش سن میزان گرایش به نزاع جمعی و ویژگی های قومی و قبیله ای در شهرستان لردگان کاهش می یابد.

جدول (۳): ضریب همبستگی (اسپیرمن) بین تحصیلات و میزان گرایش به نزاعهای جمعی، قومی و قبیله ای

تحصیلات			ضریب همبستگی
N	p	r	
۴۱۴	۰/۰۳۳	-۰/۱۰۵	گرایش به نزاع جمعی قومی و قبیله ای

جدول فوق نشان می دهد که ضریب همبستگی بین گرایش به نزاعهای جمعی، قومی و قبیله ای با تحصیلات در سطح $P < 0/05$ معنادار بوده، بنابراین میزان گرایش به نزاع جمعی و درگیریهای قومی و قبیله ای پاسخگویان بر حسب میزان تحصیلات معنادار منفی بوده و با افزایش میزان تحصیلات گرایش به نزاعهای جمعی کاهش می یابد.

جدول (۴): ضریب همبستگی دو رشته ای بین تاهل و گرایش به نزاعهای جمعی، قومی و قبیله ای

تاهل			ضریب همبستگی
N	p	r	
۴۱۴	۰/۴۴۸	-۰/۰۳۷	میزان گرایش به نزاع جمعی قومی و قبیله ای

جدول فوق نشان می‌دهد که ضریب همبستگی بین گرایش به نزاعهای جمعی، قومی و قبیله‌ای با تاهل در سطح $p < 0/05$ معنادار نبوده، بنابراین میزان گرایش به نزاع جمعی و درگیری‌های قومی و قبیله‌ای با تاهل رابطه وجود ندارد و در افراد مجرد و متاهل میزان گرایش آنها به نزاع و درگیری به یک میزان می‌باشد.

فرضیه دوم: بین میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی و میزان گرایش به نزاع جمعی و درگیری‌های قومی قبیله‌ای رابطه وجود دارد.

جدول (۵): ضریب همبستگی بین گرایش به نزاع جمعی و وسایل ارتباط جمعی

وسایل ارتباط جمعی			ضریب همبستگی
N	p	r	
۴۱۴	۰/۵۷۲	-۰/۰۲۸	گرایش به نزاع جمعی و درگیری

یافته‌های جدول فوق نشان می‌دهد که ضریب همبستگی بین گرایش به نزاع جمعی و درگیریهای قومی و قبیله‌ای با میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی در سطح $P < 0/05$ معنادار نبوده، بنابراین رابطه معناداری بین گرایش به نزاع جمعی و درگیری‌های قومی و قبیله‌ای و میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی وجود ندارد.

فرضیه سوم: بین میزان محرومیت نسبی و گرایش به نزاع جمعی و درگیری‌های قومی قبیله‌ای رابطه وجود دارد.

جدول (۶): ضریب همبستگی بین گرایش به نزاع جمعی و درگیری و محرومیت نسبی

محرومیت نسبی			ضریب همبستگی
N	p	r	
۴۱۴	۰/۰۰۰	۰/۲۴۷	گرایش به نزاع جمعی و درگیری

مطابق با نتایج جدول فوق نشان داده شده است که ضریب همبستگی بین گرایش به نزاع جمعی و درگیری‌های قومی و قبیله‌ای، محرومیت نسبی در سطح $p < 0/05$ معنادار بوده، بنابراین رابطه معناداری بین گرایش به نزاع جمعی و درگیری قومی و قبیله‌ای با احساس محرومیت نسبی وجود دارد.

فرضیه چهارم: بین میزان آنومی (بی‌هنجاری) و گرایش به نزاع جمعی و درگیری‌های قومی قبیله‌ای رابطه وجود دارد.

جدول (۷): ضریب همبستگی بین گرایش به نزاع جمعی و آنومی (بی هنجاری)

آنومی (بی هنجاری)			ضریب همبستگی
N	p	r	
۴۱۴	۰/۰۰۰	۰/۲۶۶	گرایش به نزاع جمعی و درگیری

این فرضیه به مطالعه و بررسی رابطه بین آنومی (بی هنجاری) با گرایش به نزاع جمعی و درگیری قومی قبیله ای می پردازد که r مشاهده شده به میزان $۰/۲۶۶$ در سطح $p < ۰/۰۵$ نشان داد که رابطه معناداری بین گرایش به نزاع جمعی و درگیریهای قومی و قبیله ای و میزان بی هنجاری وجود دارد. عبارت دیگر با افزایش میزان بی هنجاری (آنومی) در جامعه میزان گرایش به نزاع جمعی و درگیری قومی و قبیله ای افزایش می یابد.

فرضیه پنجم: گرایش به نزاع و درگیریهای قومی و قبیله ای بین قومیتهای مختلف تفاوت وجود دارد

جدول (۸): مقایسه میانگین نمره گرایش به نزاع و درگیریهای قومی و قبیله ای بر حسب قومیت

P	F	انحراف معیار	میانگین	قومیت
۰/۰۰۱	۳/۶۶	۰/۵۹۱	۳/۰۶	زیلایی
		۱/۱۴	۲/۹۱	ابراهیم محمدی
		۰/۸۱۰	۲/۹۳	لردگانی
		۰/۷۳۶	۳/۴۲	ساطحی
		۰/۹۸۵	۳/۰۹	ریگی
		۰/۳۰۸	۳/۳۶	ارمندی
		۰/۶۵۵	۲/۶۹	میلاسی
		۰/۵۸۰	۲/۹۹	جلیلی
		۰/۵۳۴	۳/۹۲	ماموری
		۰/۶۸۳	۳/۵۲	آقایی
		۰/۳۲۳	۲/۹۳	منجی
		۰/۴۲۹	۲/۹۸	جو انمردی
		۰/۵۹۷	۳/۲۲	خان میرزایی
		۰/۳۲۲	۳/۱۴	درویش
		۱/۱۹	۲/۶۴	فلاردی
۰/۶۵۸	۲/۹۷	سایر		

یافته های جدول ۸ نشان می دهد که F مشاهده شده در سطح $P \leq 0/05$ معنادار بوده، بنابراین میزان گرایش به نزاع و درگیریهای قومی و قبیله ای در بین طوایف و ایلات مختلف شهرستان متفاوت بوده و بیشترین میانگین گرایش به نزاع (۳/۹۲) مربوط به پاسخگویان طایفه ماموری و کمترین میانگین گرایش به نزاع (۲/۶۴) مربوط به پاسخگویان فلاردی می باشد.

فرضیه ششم: بین پرخاشگری و گرایش به نزاع جمعی و درگیریهای قومی قبیله‌ای رابطه وجود دارد.

جدول (۹): ضریب همبستگی بین گرایش به نزاع جمعی و درگیری و گرایش به پرخاشگری

گرایش به پرخاشگری			ضریب همبستگی
N	p	r	
۴۱۴	۰/۰۰۰	۰/۵۹۹	گرایش به نزاع جمعی و درگیری

مطابق با نتایج جدول ۹ نشان داده شده است که ضریب همبستگی بین گرایش به نزاع جمعی و درگیریهای قومی و قبیله ای با پرخاشگری در سطح $P \leq 0/05$ معنادار بوده، بنابراین رابطه معناداری بین پرخاشگری با میزان گرایش به نزاعهای جمعی و درگیریهای قومی و قبیله ای وجود دارد.

فرضیه هفتم: بین قوم گرایی و گرایش به نزاع جمعی و درگیریهای قومی قبیله‌ای رابطه وجود دارد.

جدول (۱۰) ضریب همبستگی بین گرایش به نزاع جمعی و درگیری و قوم گرایی

قوم گرایی			ضریب همبستگی
N	p	r	
۴۱۴	۰/۰۰۰	۰/۳۸۷	گرایش به نزاع جمعی و درگیری

همانگونه که نتایج جدول ۱۰ نشان داد ضریب همبستگی بین گرایش به نزاع جمعی و درگیریهای قومی و قبیله ای با قوم گرایی در سطح $P \leq 0/05$ معنادار بود، بنابراین رابطه معناداری بین دو متغیر قوم گرایی و گرایش به نزاعهای جمعی و درگیریهای قومی و قبیله ای وجود دارد.

فرضیه هشتم: بین انسجام اجتماعی و گرایش به نزاع جمعی و درگیریهای قومی قبیله‌ای رابطه وجود دارد.

جدول (۱۱): ضریب همبستگی بین گرایش به نزاع جمعی و درگیری و انسجام اجتماعی

انسجام اجتماعی			ضریب همبستگی
N	p	r	
۴۱۴	۰/۰۱۵	-۰/۱۲۰	گرایش به نزاع جمعی و درگیری

یافته‌های جدول ۱۱ نشان می‌دهد که ضریب همبستگی بین گرایش به نزاع‌های جمعی و درگیریهای قومی و قبیله‌ای با انسجام اجتماعی در سطح $P \leq 0/05$ معنادار بود، بنابراین رابطه معنادار معکوس بین گرایش به نزاع‌های جمعی و درگیریهای قومی و قبیله‌ای با انسجام اجتماعی وجود دارد.

فرضیه نهم: بین کنترل اجتماعی و گرایش به نزاع جمعی و درگیریهای قومی قبیله‌ای رابطه وجود دارد.

جدول (۱۲): ضریب همبستگی بین گرایش به نزاع جمعی و درگیری و کنترل اجتماعی

کنترل اجتماعی			ضریب همبستگی
N	p	r	
۴۱۴	۰/۰۰	-۰/۳۴۸	گرایش به نزاع جمعی و درگیری

۲ مشاهده شده (به میزان ۳۴۸٪) در سطح $P \leq 0/05$ در جدول شماره ۱۲ نشان داد که ضریب همبستگی بین گرایش به نزاع‌های جمعی و درگیریهای قومی و قبیله‌ای و کنترل اجتماعی رابطه معنادار معکوس وجود دارد.

فرضیه دهم: بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی و میزان گرایش به نزاع جمعی، درگیریهای قومی و قبیله‌ای رابطه وجود دارد.

جدول (۱۳): ضریب همبستگی دو رشته ای بین پایگاه اجتماعی اقتصادی با گرایش به نزاعهای جمعی، قومی و قبیله ای

آنومی (بی هنجاری)			ضریب همبستگی
N	p	r	
۴۱۴	۰/۰۲۹	-۰/۱۰۷	گرایش به نزاع جمعی، قومی و قبیله ای

جدول شماره ۱۳ نشان می دهد که ضریب همبستگی بین گرایش به نزاعهای جمعی، قومی و قبیله ای با پایگاه اجتماعی اقتصادی در سطح $P \leq ۰/۰۵$ معنادار منفی بوده و رابطه آنها به صورت معنادار معکوس می باشد و با افزایش میزان پایگاه اجتماعی و اقتصادی میزان گرایش به نزاعهای جمعی، قومی و قبیله ای کاهش می یابد.

بحث و نتیجه گیری

• فرضیه شماره ۱: یافته های این پژوهش با یافته های (نظری ۱۳۸۶) در خصوص میزان گرایش زنان و مردان به نزاعهای جمعی در استان ایلام مقایسه گردید که فاقد شباهت می باشند. این پژوهش میزان گرایش به نزاعهای جمعی مردان و زنان را یک اندازه می داند و گرایش به نزاع بین مردان و زنان ایلامی متفاوت نیست. با توجه به نظریات مختلف در رابطه با بالا بودن میزان پرخاشگری و خشونت مردان نسبت به زنان میتوان گفت که در این پژوهش نیز مردان دارای روحیه ی پرخاشگری و خشونت بیشتر بوده و همین عامل مردانه بودن گرایش ایشان را به نزاع جمعی و حمله بردن به دیگران افزایش داده است. پس یافته های این پژوهش با یافته های نظریه پردازان مختلف آسیب های اجتماعی به نوعی به هم شباهت دارند. همچنین یافته های این پژوهش با یافته های رامون اسپیج (۲۰۰۶) از دانشگاه آمستردام هلند که در کنار نظریات عام و جهان شمول در تبیین پدیده خشونت و ستیزه جویی به بررسی این معضل اجتماعی پرداخت، وی هویت مردانه خشن را یکی از عوامل شش گانه اصلی در بروز اوباشگری تلقی می کند.

یافته های این پژوهش با یافته های عدالتی منش (۱۳۸۶) در خصوص رابطه سن با میزان گرایش به قوم گرایی مقایسه گردید که یافته های این پژوهشگر نشان می دهد که با افزایش سن گرایش به قوم گرایی شدیدتر است و با یافته های این پژوهش مشابهت ندارد.

به نظر می رسد افزایش سن باعث پختگی افراد و گرفتاری آنها جهت تامین امور معیشتی فرزندان و خانواده باعث مشغله ذهنی و زندگی شده و کمتر گرایش به نزاع و درگیری را دارند ولی افراد جوان بدلیل روحیات جوانی از جمله احساسی بودن و هیجانی بودن و همچنین مشکلات کمتر زندگی هنوز تفکر به نزاع درگیری در ذهن آنها تداعی می شود.

یافته های این پژوهش با یافته های نظری در سال (۱۳۸۶) مشابه می باشد زیرا افزایش تحصیلات باعث افزایش آگاهیهای عمومی و علمی افراد شده و نسبت به نزاع های جمعی، گرایش کمتری نشان می دهند و میزان تحصیلات در رفتار و کردار آنها موثر بوده است و باعث تغییر ارزشهای اجتماعی در آنها شده و تغییرات فرهنگی و افزایش تحصیلات از شدت و حدت گرایش به نزاعهای جمعی کاسته است.

یافته های این پژوهش با یافته های نظری (۱۳۸۶) در زمینه رابطه وضعیت تاهل و گرایش به نزاع جمعی مقایسه گردید که فاقد شباهت می باشند. یافته های این پژوهش نشان میدهد که میزان گرایش به نزاع در افراد مجرد بیش از افراد متاهل است. زیرا افرادی که متاهل هستند بیشتر از افراد مجرد احساس تعلق و همبستگی به اعضای خانواده خود می کنند، بطوریکه طبق نظریه دورکیم (۱۹۵۱) به علت عدم همبستگی و انسجام احتمال منزوی بودن افراد متاهل بیشتر است و این انزوا باعث عدم گرایش به انحراف می گردد. علاوه بر آن افراد متاهل دارای تعلقات زیادی از جمله زن و فرزند و... می باشند، لذا دارای پابندی بیشتری به قواعد و الگوها خواهند بود و این عوامل نشان می دهد که افراد متاهل نسبت به افراد مجرد گرایش کمتری به نزاع دارند. اما در پژوهش حاضر نتیجه معنادار نبوده و تفاوتی در گرایش به نزاع در بین افراد متاهل و مجرد مشاهده نگردید. بین گرایش به نزاعهای جمعی، قومی و قبیله ای با تاهل رابطه وجود ندارد.

• فرضیه شماره ۲: با توجه به پژوهشهای انجام شده در رابطه با تأثیر وسایل ارتباط جمعی با میزان گرایش به خشونت و ستیزه جویی که افراد با مشاهده صحنه هایی از فیلم های خشونت آمیز تحت تأثیر آنها قرار گرفته و ممکن است با ابزار خشونت در جامعه تأثیر این فیلم ها مشاهده گردد، لذا می توان گفت که بدلیل مشغله های ذهنی و فقر فرهنگی در سطح شهرستان شاید افراد نتوانند از وسایل ارتباط جمعی استفاده مطلوب نمایند و این امر در گرایش آنها به نزاع جمعی و درگیری های قومی تفاوتی نشان می دهد.

نتایج یافته های این پژوهش با یافته های هیدینگ (۱۹۹۸) مقایسه گردید که مطابقت

ندارند، زیرا در پژوهش ایشان بین انحرافات اجتماعی و وسایل ارتباط جمعی رابطه وجود داشته و این وسائل در اشاعه رفتارهای انحرافی جوانان نقش اساسی داشته اند.

• فرضیه شماره ۳: یافته‌های این پژوهش با یافته‌های رضایی (۱۳۸۵) که در رابطه با عدم رعایت قوانین و مقررات راهنمایی و رانندگی در بین رانندگان و عوامل موثر بر آن با تاکید بر ابعاد فرهنگی، اجتماعی انجام گرفت، شباهت دارد. در این پژوهش که یکی از عوامل موثر بر عدم رعایت قوانین راهنمایی و رانندگی را متغیر محرومیت نسبی می‌داند، مقایسه گردید که با یافته پژوهش حاضر شباهت دارد، عبارت دیگر احساس محرومیت نسبی باعث ایجاد نزاع و تخلف در قانون می‌باشد. این موضوع متأسفانه عامل مخرب و خطرناکی است که تاثیر منفی خود را در تمام زمینه‌ها و ابعاد و حیات جمعی گذاشته است، و برنامه‌های تلویزیون مخصوصاً شبکه‌های داخلی و فیلم‌های سینمایی بیشترین تاثیر گذاری را در تقویت احساس محرومیت نسبی در جامعه دارد و افرادی که این احساس را دارند تمایل بیشتری به نزاع و درگیری و تخلف از قانون می‌توانند داشته باشند.

نتایج این پژوهش با دیدگاه گودرزی (۱۳۸۵) در خصوص اینکه بر اساس نظریه محرومیت نسبی، مناقشه و ستیزه قومی زمانی بالا می‌گیرد که گروه‌های قومی احساس کنند کمتر از آنچه حقتشان است دریافت می‌کنند در چنین شرایطی گروه‌های شکست خورده برای تسکین سرخوردگی ناشی از محرومیت نسبی ممکن است به خشونت روی بیاورند. لذا این یافته‌ها حاکی از آن است که یکی از عوامل گرایش به نزاع‌های جمعی و درگیری قومی و قبیله‌ای در سطح شهرستان لردگان عدم توزیع منابع مادی و معنوی بین مردم است و افرادی که احساس می‌کنند منابع کمتری در اختیار دارند نسبت به افرادی که از منابع بیشتری برخوردارند دارای گرایش بیشتری به نزاع هستند و همین عامل ممکن است روحیه ستیزه جویی را افزایش دهد.

• فرضیه شماره ۴: این یافته‌ها با یافته‌های نظری (۱۳۸۶) تطابق ندارد و پژوهش ایشان فاقد رابطه معناداری این دو متغیر می‌باشد، لذا به منظور کاهش احساس بی‌هنجاری در جامعه پژوهشی پیشنهاد می‌گردد که: از آنجا که ریشه بسیاری از ناهنجاریهای اجتماعی، کم‌رنگ شدن ارزش‌ها و فراموش شدن فضیلت‌هاست لذا بایستی در جهت احیاء این ارزشها اقدام کرد.

• فرضیه شماره ۵: یافته‌های این پژوهش با یافته‌های نظری (۱۳۸۶) شباهت دارد و

در پژوهش ایشان میزان گرایش به نزاعهای جمعی در بین ایلات نیز تفاوت وجود دارد. لذا می توان اظهار نمود که: هر فرهنگی دارای ارزشهایی است که طی سالهای متمادی انسجام و قوام یافته است و ویژگی های خاصی را نیز داراست، بخصوص خرده فرهنگ که در بعد کوچکی می تواند نمایانگر مظاهر فرهنگی مکانی، قومی، طبقه ای و... خاص باشد (پورافکاری، ۱۳۷۸: ۲). پس اقوام مختلف دارای روحيات متفاوت می باشند که یکی از این روحيات می تواند ستیزه جویی و نزاع جمعی باشد که این مسئله شامل تفاوت در فرهنگ طوایف مردم لردگان نیز صادق می باشد و گرایش آنها به نزاع نیز متفاوت بوده است و عوامل مختلف فرهنگی، اجتماعی، روانی، زیستی، محیط طبیعی و... می تواند دخیل باشد.

• فرضیه شماره ۶: نتایج یافته های این پژوهش با یافته های پژوهش وان کولی (۲۰۰۵) که جنگیدن و نزاع را شامل پرخاشگری زبانی و فیزیکی می داند، تطابق دارد و از وجود رابطه بین نزاع و پرخاشگری حکایت دارد، لذا در این زمینه ابتدا باید عوامل پرخاشگری در جامعه مورد شناخت کافی قرار گیرند و سپس تلاش در زمینه کاهش این عوامل در دستور کار و برنامه ریزی جدی قرار گیرد، با توجه به اینکه از نظر روان شناسان پرخاشگری ناتوانی در کنترل خشم است و یک عده خشونت را نوعی قدرت بحساب می آورند و این موضوع در بعضی از مناطق جامعه پژوهشی بعنوان یکی از اسباب قدرت و منزلت محسوب می شود، بنابراین باعث معنادار بودن رابطه بین گرایش به نزاع و خشونت و پرخاشگری می شود.

• فرضیه شماره ۷: عدالتی منش (۱۳۸۶) به بررسی عوامل موثر بر میزان قوم گرایی پرداخته و قوم گرایی را بعنوان یکی از مسائل اساسی جامعه آماری خود (گچساران) دانسته و یافته های ایشان نشان از رابطه معنادار بین قومیت و قوم گرایی دارد، هر چند که موضوعات دو پژوهش متفاوت است ولی حاکی از نقش قومیت و قوم گرایی در مسائل اجتماعی بویژه نزاعهای جمعی و قومی قبیله ای دارد که این مسئله می تواند «ناشی از تعصبات شدید و احساسات ریشه دار قومی جهت دستیابی به منافع و انگیزه های مختلف باشد که متأسفانه از گذشتگان به ارث مانده است». این متغیر بعنوان یکی از علل اصلی می باشد که تاثیر معناداری بر گرایش به نزاعهای جمعی، قومی و قبیله ای دارد و مردم جامعه پژوهشی بدلیل قوم گرایی شدید در نزاعهای جمعی و قبیله ای شرکت می کنند و آثار و تبعات نامطلوبی را بدنبال داشته است.

• فرضیه شماره ۸: با افزایش میزان انسجام اجتماعی میزان گرایش به نزاع کاهش می یابد.

یافته‌های این پژوهش با یافته‌های عبدالهی و چلبی (۱۳۷۲) شباهت دارد که این پژوهش یکی از ویژگی‌های مهم اجتماع را انسجام عام دانسته که می‌بایست تلاش شود انسجام اجتماعی در جامعه پژوهشی افزایش یابد، زیرا با افزایش مشارکت اجتماعی در جامعه و افزایش میزان انسجام اجتماعی باعث تقویت روابط حسنه بین گروهی می‌شود و زمینه را برای همزیستی اجتماعی مسالمت آمیز و تعاون اجتماعی مبتنی بر تعقل‌گرایی و تعهد به اجتماع فراهم می‌کند و این مسئله نقش موثری در کاهش نزاع‌های جمعی ایفا می‌کند و افراد بخاطر این همکاری کمتر دچار نزاعهای جمعی، قومی و قبیله‌ای می‌شوند.

یافته‌های پژوهشی از کیا و غفاری (۱۳۸۲) در شهرستان کاشان نشان داده است که نزاع در جامعه باعث کاهش مشارکت، همکاری و انسجام اجتماعی می‌شود و نتایج آن با یافته‌های پژوهش حاضر همخوانی و مشابهت دارد.

• فرضیه شماره ۹: یافته‌های پژوهش فوق با یافته‌های نظری (۱۳۸۶) شباهت دارد و هر دو پژوهش رابطه معنادار معکوس کنترل اجتماعی با میزان گرایش به نزاع جمعی را نشان می‌دهند، هرچه میزان کنترل اجتماعی در جامعه پژوهشی افزایش یابد میزان گرایش به نزاع‌های جمعی، قومی و قبیله‌ای کاهش می‌یابد و نقش ارزنده‌ای در کاهش نزاع‌ها دارد و با توجه به اینکه در پژوهش حاضر کنترل اجتماعی شامل اشتغال فرد به کارهای روزانه، انجام امور مذهبی و میزان تعلق به خانواده می‌باشد، بنابراین افراد با سرگرم شدن در این مسائل گرایشی به نزاع نشان نمی‌دهند.

• فرضیه شماره ۱۰: نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش نظری (۱۳۸۶) شباهت دارد. یعنی اینکه با افزایش میزان موقعیت اجتماعی و اقتصادی افراد گرایش به نزاع جمعی، قومی و قبیله‌ای در جامعه پژوهشی کاهش می‌یابد. زیرا افزایش موقعیت اجتماعی و اقتصادی افراد در جامعه باعث می‌شود که افراد نسبت به بسیاری از مسائل احساس مسئولیت نموده و بخاطر حفظ این موقعیت کمتر گرایش به نزاع نشان دهند و تلاش می‌کنند که این موقعیت را حفظ کنند.

پیشنهادات

۱. با توجه به یافته های جدول ۳ در خصوص ارتباط معنادار معکوس میزان تحصیلات و گرایش به نزاعهای جمعی و قومی و قبیله ای پیشنهاد می گردد:
 - الف) مدارس شبانه روزی در مناطق دورافتاده و محروم دردوره های راهنمایی و متوسطه دخترانه و پسرانه تاسیس گردد.
 - ب) ایجاد دانشگاههای مختلف در این مناطق و تسهیل زمینه ادامه تحصیل جهت دختران و پسران.
 - ج) برگزاری دوره های آموزشی بصورت کارگاهی جهت شوراهای اسلامی این روستاها.
 - د) گسترش مراکز آموزش فنی و حرفه ای در این مناطق.
۲. با توجه به یافته های جدول ۶ در خصوص ارتباط معنادار احساس محرومیت نسبی و گرایش به نزاع جمعی پیشنهاد می گردد:
 - الف) محرومیت نسبی، عامل مخرب و خطرناکی است که تاثیر خود را در تمام زمینه ها و ابعاد حیات جمعی گذاشته است. شبکه های تلویزیونی داخلی می تواند تاثیر زیادی در تقویت احساس محرومیت نسبی داشته و برای متوقف کردن سیر صعودی نیازهای کاذب و صادق و کاهش احساس محرومیت نسبی که بیشتر ناشی از القای نیازهای کاذب است بازنگری در برنامه های تلویزیون محلی میتواند تاثیر گذاری مثبت را داشته باشد.
 - ب) مسئولین ودست اندرکاران حوزه های مختلف نسبت به توزیع عادلانه امکانات مادی ومعنوی در سطح جامعه اقدام نموده تا افراد احساس نمایند که به آنچه حقشان است نرسیده اند وبخاطر رسیدن به اهداف خود متوسل به خشونت و نزاع جمعی گردند.
۳. همانگونه که جدول ۷ نشان از رابطه معنادار بین بی هنجاری (آنومی) و گرایش به نزاع جمعی و درگیری قومی و قبیله ای دارد پیشنهاد می گردد:
 - الف) زمانی که وجود الزامهای اخلاقی یا ضرورتهای اجتماعی زندگی تحمل ناپذیر می شود و به بی هنجاری می انجامد، باید جامعه را نسبت به امور اخلاقی و رعایت اخلاق که از ضروریات دین مبین اسلام است آگاه نمود تا نسبت به رعایت هنجارها وقوانین در جامعه اقدام نمایند.
۴. با توجه به یافته های جدول ۸ که نشان از تفاوت گرایش به نزاعهای جمعی و درگیریهای قومی و قبیله ای بین ایلات و طوایف مختلف شهرستان دارد و بعضی از ایلات تمایل و گرایش

بیشتر به نزاع و درگیریهای قومی و قبیله‌ای دارند. لذا پیشنهاد این است که:

الف) مسئولین تبلیغی، سیاسی، نظامی، حقوقی و... در سطح شهرستان، اقوامی را که تمایل بیشتری به نزاع و درگیری از خود نشان می‌دهند، آنها را از تبعات مادی و معنوی نزاعها آگاه نموده و با توجیه شورای اسلامی و افراد ذینفوذ درون این اقوام، تلاش نمود میزان گرایش آنها را به نزاعهای جمعی و درگیری قومی و قبیله‌ای کاهش داد.

ب) با توجه به ویژگی‌های خاص اقوامی که گرایش بیشتری به نزاع نشان داده اند از جمله عوامل فرهنگی، اجتماعی - موقعیت طبیعی و عدم پاسگاه انتظامی می‌تواند در گرایش به نزاع و درگیری موثر باشد، لذا باید از طریق مسئولین شهرستان به منظور حذف این عوامل و تقویت عوامل مثبت اقدام لازم صورت پذیرد. مثلاً با گسترش مدارس، برنامه‌های صدا و سیما، سازمان تبلیغات اسلامی و گسترش پاسگاههای انتظامی تمهیدات لازم بعمل آید.

۵. همانگونه که یافته‌های جدول ۹ نشان از رابطه معنادار پرخاشگری با میزان گرایش به نزاع‌های جمعی و درگیری‌های قومی و قبیله‌ای دارد، پیشنهاد می‌گردد به منظور کاهش روحیه پرخاشگری ابتدا باید تلاش و مطالعات بیشتری در زمینه علل پرخاشگری در جامعه پژوهشی مشخص شود و ثانیاً راههای پیشگیری از پرخاشگری فراهم شود، لذا مسئولین امنیتی از جمله نیروهای انتظامی، استانداری، اطلاعات و... و عوامل تبلیغی از جمله سازمان تبلیغات اسلامی صدا و سیما، ارشاد اسلامی و شوراهای روستایی و شهری و مسئولین آموزشی از جمله آموزش و پرورش، دانشگاه‌ها و... برنامه ریزی لازم جهت شناسایی این امر را بعنوان اولویت کاری قرار داده و سپس در راستای کاهش پرخاشگری تلاش و برنامه ریزی لازم را بعمل آورند تا شاید با کاهش روحیه پرخاشگری که از عوامل اصلی پیش‌بینی‌کننده نزاع و درگیری می‌باشند، شاهد این مسئله اجتماعی در جامعه نباشیم.

از نظر روانشناسی خشونت، ناتوانی در کنترل خشم است، یک عده خشونت را نوعی قدرت به حساب می‌آورند، اما خشونت، یک نوع ناتوانی است، کسی که پرخاشگری می‌کند برخلاف تصورش آدم بسیار ضعیفی است چون نمی‌تواند حالت خشم خود را کنترل کند که معمولاً این حالات در خانواده‌ها شکل می‌گیرد و آموخته می‌شوند و از رسانه‌ها هم الگوبرداری می‌شوند. لذا پیشنهاد می‌شود آموزش‌های لازم از طریق مدارس به خانواده‌ها داده شود و فرزندان را خانواده‌ها در برابر رفتارهای خشن آگاه کنند و در برنامه‌های مهارت‌های زندگی، آموزش کنترل خشم و پرخاشگری را در دستور کار خود قرار

دهند.

۶. یافته های جدول شماره ۱۰ که رابطه معنادار قوم گرایی و گرایش به نزاعهای جمعی و درگیریهای قومی و قبیله ای را نشان می دهد که پیشنهاد پژوهشگر آن است که:

الف. به منظور کاهش قوم گرایی و حفظ آرامش و همبستگی اجتماعی و برادری مسلمانان از دیدگاه قرآن و روایات اسلامی در جامعه پژوهش تبلیغات لازم بعمل آید.

ب. به منظور افزایش روحیه همگرایی و حفظ همبستگی و وحدت و برادری معاونت اجتماعی نیروی انتظامی و نهادهای تبلیغی با تهیه بروشورهای، جامعه آماری را از عواقب منفی قوم گرایی آشنا نمایند. هفته نامه های محلی و ارائه مقالاتی در رابطه با عوارض سوء قوم گرایی شدید و ارسال این هفته نامه جهت استفاده شورای اسلامی و افراد فرهنگی و ذینفوذ این مناطق تلاش لازم جهت کاهش قوم گرایی به عمل آید.

ج. مقابله جدی با مدیران و مسئولینی که در بکارگیری نیروها در دستگاههای تحت نظارت خود معمولاً قومی و قبیله ای عمل می کنند.

۷. یافته های جدول ۱۱ نشان می دهد که رابطه معنادار بین انسجام اجتماعی و گرایش به نزاع جمعی وجود دارد، به عبارتی با افزایش انسجام اجتماع نزاع کاهش می یابد. لذا به منظور افزایش انسجام اجتماعی پیشنهاد می گردد:

الف) به منظور تقویت انسجام اجتماعی و احساس وابستگی هرچه بیشتر افراد و گروهها به یکدیگر و کلیت جامعه در ابعاد مختلف اجتماعی، دستگاههای اجرایی مختلف از جمله نیروهای انتظامی، آموزش و پرورش، صدا و سیما، مطبوعات استانی و شهرستانی تلاش مضاعف نمایند و این واقعیت را به مردم القاء نمایند که سرنوشت آنها با سرنوشت جامعه عجین است و هرگونه نابسامانی در اجزای جامعه و فرد، تهدید جدی برای تمام جامعه را در پی خواهد داشت و مردم این مناطق را نسبت به همکاری و همیاری با یکدیگر دعوت نمایند، که با افزایش اینگونه پیوندها شاهد افزایش انسجام اجتماعی و کاهش نزاع در جامعه خواهیم بود.

ب) جهت تشویق و تسهیل روابط بین گروهی و سازمانهای مردم نهاد بصورت داوطلبانه در امور مختلف جامعه آماری ایجاد کنند.

۸. یافته های جدول ۱۲ نشان می دهد که بین میزان گرایش به نزاعهای جمعی و درگیری قومی و قبیله ای با کنترل اجتماعی رابطه وجود دارد که پیشنهاد می شود:

الف. مسئولین زمینه امنیت اجتماعی در معنایی فراگیر را فراهم نمایند که این امر همکاری جدی عوامل انتظامی، امنیتی و مردم را می‌طلبد.

ب. دولت نسبت به برخوردار نمودن آحاد جامعه از نیازهای اساسی زندگی مردم بویژه جامعه آماری تلاش کند و زمینه اشتغال جوانان را در این مناطق با ایجاد کارخانجات و کارگاههای زود بازده فراهم نماید.

ج. دولت تلاش نماید زمینه برخورداری جامعه آماری را در زمینه تحت پوشش قراردادن آنها از طریق بیمه تامین اجتماعی فراهم کند.

د. دولت بویژه نیروی انتظامی، آموزش و پرورش، کمیته امداد، بهزیستی، سازمان فنی و حرفه‌ای، سازمان تبلیغات اسلامی، روحانیون و ... وظایف مهمی در این زمینه برعهده دارند و با برنامه ریزی صحیح می‌توانند نسبت به تقویت کنترل اجتماعی اقدام لازم بعمل آورند و با تقویت کنترل اجتماعی نزاع جمعی کاهش خواهد یافت.

ه. پیروی از دستورات مذهبی و دین مبین اسلام و میزان پایبندی به این دستورات توسط مبلغین اعزامی به این مناطق و روستاها به مردم گوشزد شود که قطعاً گوشزد نمودن این مسائل تاثیر مثبت در افزایش کنترل اجتماعی و کاهش نزاع در جامعه خواهد داشت.

۹. آموزش همگانی و تعامل مردم با نیروی انتظامی می‌تواند نقش اساسی و ارزنده‌ای را در رابطه با کاهش نزاعهای جمعی و درگیریهای قومی و قبیله‌ای در سطح شهرستان ایفا نمایند. لذا پاسگاههای انتظامی می‌توانند با دعوت رسمی از افراد ذی نفوذ، شوراهای اسلامی، ریش سفیدان، جوانان، افراد سابقه دار در نزاع‌های جمعی، قاتلین در نزاعها و در یک مکان مشخص با توجه ابعاد مختلف نزاع و عواقب و خیم آن موضوع را برای آنها از طریق کارشناسان خبره، بررسی و ارائه تذکرات لازم و برگزاری مستمر و منظم جلسات ضمن یاد آوری بعنوان یک مسئله اساسی، می‌تواند نقش ارزنده‌ای را در کاهش نزاعها ایفا نماید.

۱۰. خلع سلاح: با توجه به وفور سلاحهای غیرمجاز در دست مردم و عدم استفاده صحیح از این سلاحها که گاهی خسارات زیانباری را بدنبال داشته است، لذا با شناسایی عوامل توزیع سلاحهای غیرمجاز و جمع آوری این سلاحها می‌توان از بروز حوادث ناگوار جلوگیری کرد و همچنین آموزش افراد دارای سلاحهای مجاز و چگونگی نگهداری از سلاح‌های مجاز توسط نیروی انتظامی ضروری به نظر می‌رسد.

۱۱. برنامه ریزی علمی و منطقی برای نحوه گذراندن اوقات فراغت و تفریح مردم به

- خصوص جوانان شهرستان برای کاهش نزاعهای جمعی و درگیری های قومی و قبیله ای.
۱۲. فرآیند توسعه روستایی، کشاورزی، دامپروری می تواند نقش موثر و اساسی در حفظ امنیت مناطق مختلف شهرستان داشته باشد که مستلزم سرمایه گذاری های گسترده از سوی مسئولین می باشد. امروزه امنیت با توسعه گره خورده وبدون توسعه نمی توان شاهد برقراری آرامش اجتماعی و عدم نزاعهای جمعی در شهرستان باشیم. لذا در این زمینه پیشنهاد می گردد: قطب های صنعتی در مناطق مختلف ایجاد و آبهای به هدر رفته در سطح شهرستان مهار، توسعه کشاورزی و دامپروری و ایجاد صنایع کوچک با توجه به استعداد های طبیعی فراوان و ایجاد اشتغال مردم شهرستان ضروری و لازم است.
۱۳. کنترل رشد جمعیت در این مناطق و فراهم نمودن امکانات زیستی مناسب.
۱۴. تقویت شوراهای حل اختلاف در این مناطق و تامین تجهیزات کمی و کیفی.
۱۵. تقویت نیروی کنترل کننده رسمی و غیررسمی در این مناطق.
۱۶. مشارکت مردمی در راستای تامین و حفظ امنیت در زمینه پیشگیری از نزاع.

Archive of SID

منابع

- آریان پور، ا (۱۳۵۷). فریدویسم. اشاراتی به ادبیات و عرفان، چاپ دوم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- آنگ برن، ن (۱۳۵۶). زمینه جامعه شناسی. ترجمه ا. آریان پور، تهران: انتشارات فرانکلن.
- ازکیا، م، غفاری، غ (۱۳۸۲). توسعه روستایی با تاکید بر جامعه روستایی ایران. تهران: نشر نی.
- اشرف، ا (۱۳۵۵). کثر رفتاری، مسائل اجتماعی و آسیب شناسی. تهران: انتشارات آموزشگاه عالی خدمات، انتشارات سمت.
- پورافکاری، ن (۱۳۷۸). پرخاشگری و فرهنگ. مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان، جلد دهم، شماره ۱ و ۲.
- پورافکاری، ن (۱۳۸۳). نزاعهای جمعی محلی. مجموع مقالات اولین همایش ملی طرح مسائل جامعه شناسی ایران.
- چلبی، م، عبدالمهی، م (۱۳۷۲). طرح تحقیق توصیف و تبیین جامعه شناختی نزاعهای جمعی در استان لرستان. استانداری لرستان.
- خراطها، س، جاوید، ن (۱۳۸۴). بررسی علل و عوامل جامعه شناختی بروز نزاع و درگیری و پیامدهای آن در شهر تهران. فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، سال دوم، شماره ۶ و ۷، معاونت اجتماعی و ارشاد ناجا.
- رضایی، ع (۱۳۸۵). عدم رعایت قوانین و مقررات راهنمایی و رانندگی در بین رانندگان و عوامل موثر بر آن با تاکید بر ابعاد فرهنگی - اجتماعی. فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی ناجا، شماره ۴ و ۵.
- ستوده، (۱۳۸۲). آسیب شناسی اجتماعی. تهران، آوای نور، چاپ شانزدهم،
- سینائی، ع (۱۳۷۴). روان شناسی شخصیت. انتشارات دانشگاه تهران، چاپ پنجم.
- سینائی، ع (۱۳۷۹). فصلنامه پژوهشی، فرهنگی، اجتماعی بام ایران. شماره ۸.
- سلیمی، ع، داوری، م (۱۳۸۶). جامعه شناسی کجروی. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم: انتشارات زیتون.
- صدیق سروسستانی، ر (۱۳۸۶). آسیب شناسی اجتماعی (جامعه شناسی انحرافات اجتماعی)
- صادقی، س (۱۳۸۵). بررسی تطبیقی آسیبها و ناهنجاریهای اجتماعی. سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان چهارمحال و بختیاری.
- صالحی، ح (۱۳۷۱). نگرشی بر نزاعهای دسته جمعی در استان چهارمحال و بختیاری، معاونت سیاسی و امنیتی استانداری چهارمحال و بختیاری.
- عدالتی منش، م (۱۳۸۶). بررسی برخی عوامل اجتماعی موثر بر قوم گرایی در بین شهروندان شهرستان گچساران، پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهاقان.
- فرجاد، م (۱۳۶۹). روان شناسی و جامعه شناسی جنایی. چاپ اول، تهران نشر همراه.
- گودرزی، ح (۱۳۸۵). مفاهیم بنیادین در مطالعات قومی. چاپ اول، تهران: انتشارات تمدن ایرانی.
- ممتاز، ف (۱۳۸۵). انحرافات اجتماعی، دیدگاهها و نظریه ها، تهران: شرکت سهامی انتشارات، چاپ اول.

- نظری، ج (۱۳۸۶). بررسی جامعه شناختی عوامل اجتماعی فرهنگی موثر بر نزاعهای جمعی، پایان نامه کارشناسی ارشد علوم اجتماعی، دانشگاه اصفهان.

- وایت، ر، فیوتا، ه (۱۳۸۳). جرم و جرم شناسی (نظریه های جرم و کجروی). ترجمه ع سلیمی، چاپ اول، قم: موسسه پژوهشی حوزه دانشگاهی.

- Doob C B.1988.Sociology:An Introduction,New York: Longman, 2Ed
- Eitzen S Maxine b.1992. Social Problems. Allyn,bacon, Boston.
- Hebding D.1998. Subculture, Routledg.Katholieke university Leuven ,Belgium.
- Merton R.1975. Social Theory and Social Structure .New York : Free Press
- Merton R,Robert N.1996.Contemporary Social Problems.New York: Harcourt. Bracejoran- orich.
- Reid T.2000.Crime and criminology.U.S.A:MC crow-Hill.
- Siegel J.1998 .criminology.(6th.ed)U.S.A:Wadsworth.
- Spaij R.2006.Aspects of HooliganismVviolence Amesterdaw School for Social Scince Research, pp,1-33.
- Taylor L.1973.Politiics and Deviance.England:Pelican Books.
- Vancoillie H. 2005.Behaviors Associated with Anger.Unpublished P.H.D.Disser Tation
- Wrightsmen L.1998. Psychology and The Legal Sustem.(A th ed)U.S.A :Broks/cole Publishing Company.